

محلی از پرداخت عایدی دولت خودداری می‌کردند، نماینده دولت در بوشهر مختار بود. فرزند خان متخلف را آگروگان بگیرد، گاه نیز فقط به بهانه نپرداختن عایدی، فرزند خان بازداشت می‌شد. بنابراین، از ترس اسپرشدن کودکان خود از فرستادن آنها به شهر خودداری می‌کردند. سرپرستان سعادت با هدف جذب این گروه با ارسال عریضه‌ای به دربار قاجار تقاضا کردند، شاه وقت یعنی «محمدعلی‌شاه» با صدور حکمی وضعیت بهتری فراهم آورد تا خان‌های محلی از ثبت‌نام فرزندانشان در مدرسه بی‌می‌نداشتند باشند. شاه در شوال ۱۳۲۵ هجری قمری، خطاب به دریابگری فرمانی ابلاغ کرد و به او دستور داد از گروه گرفتن این گروه‌معانعت کند. نامه‌شاه نتیجه داد و برخی خان‌های نواحی مجاور مانند تنگستان کودکان خود را در مدرسه سعادت ثبت‌نام کردند.

ثمربخشی وجود این مدرسه محدود به بوشهر و نواح آن نبود بلکه در مسافت‌هایی دورتر نیز بازتاب سختکوشی مدیران و مؤسسان آن دیدنی است، ترویج فرهنگ مدرسه‌سازی در مرزهای جنوبی ایران از مهم‌ترین آنهاست. یک دهه پس از افتتاح این مدرسه، برخی معلمان با دانش‌آموزان سعادت در دیگر نواحی جنوب کشور، مثل بندرعباس، بندر لنگه، محمره (خرمشهر)، اهواز، آبادان، بحرین و بهبهان مدارسی به سبک نو با الهام از سعادت تأسیس کردند. امری که موجب شد تا مدرسه سعادت در تاریخ آموزش به «مادر مدارس جنوب ایران» مشهور شود. احمدخان دریابگری که در بنیاد و ترقی سعادت بسیار تأثیرگذار بود، پس از پایان جنگ جهانی اول در ۱۳۳۷ هجری قمری برای همیشه از حکومت بنادر بکنار شد و در حالی سال ۱۳۳۹ هجری قمری در محمره وفات یافت که بجز مدرسه

سعادت، دو ترجمه مهم از فرانسوی، یعنی کتاب «دکامرون» اثر «جوانی بوکاچو»، کتاب «نونلی» اثر «آگوستین اوزن اسکراپ» و یک تالیف پرارزش موسوم به «جغرافیای خلیج‌فارس» از حوزه آموزش و فرهنگ از خود به یادگار گذاشت.

پی‌نوشت

- انوار سهیلی همان کلیله و دمنه است به نگارش جدیدی از حسین واعظ کاشفی
- افشاررستیانی، ایرج-نگاهی به بوشهر، ۱۴ اماد، حسن- تاریخ آموزش و پرورش در فارس از عهد باستان تا دوره معاصر
- دشتی، احمد-نگاهی به تاریخچه مدرسه سعادت بوشهر، ریاستار، ناشر قزلباشی
- دولت‌آبادی، یحیی-حیات یکینی ۱۴
- رکن‌زاده آدمیت، محمدحسین-فارس و جنگ بین‌الملل، ۱۴
- رکن‌زاده آدمیت، محمدحسین دانشمندان و سخن‌سرایان فارس، ۳
- مشایخی، عبدالکریم- تحولات نوین آموزشی در دوره قاجار و تأثیر آن بر روند مدرسه‌سازی در بوشهر- فصلنامه علمی- پژوهشی تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام، س، ۱، ش، صص ۱۰۳-۱۲۸
- مشایخی، عبدالکریم- بندر بوشهر پیشگام مدرسه‌سازی جنوب ایران



احمدخان دریابگری ۱

ارمنی قرار بر این شد که از واردات اجناس به گمرک بوشهر عدلی یک شاهی یا یک‌بیستم قران او صادرات کالا عدلی نیم شاهی یا یک‌چهارم قران به‌طور دائم به مدرسه پرداخت شود. مدرسه در آمدهای خود را در سه بخش هزینه می‌کرد، اول حقوق کارکنان، دوم خرید بخشی از نوشت‌افزار دانش‌آموزان مثل کاغذ و قلم و مرکب... و سوم رسیدگی به امور مختلف ساختمان و تجهیزات مدرسه. دریابگری در سال ۱۳۲۵ هجری قمری بار دیگر به حکومت جزایر و بندرهای جنوبی منصوب شد و چون سابق به مشکلات و نیازهای اداره‌های مهم دولتی مشغول به‌کار شدند، از تأسیس مدرسه گذشته بود، بیش از پیش بازدهی مثبت این مرکز نمایان بود، برای نمونه در پایان دوره هشت‌ساله نزدیک به پنجاه نفر از دانش‌آموزان سعادت در مشاهده چنین ثمراتی و پیشرفت علمی و فرهنگی دانش‌آموزان انگیزه‌ای شد تا جانب و دومی «میرزا یانس خان ارمنی» که معاون رئیس گمرک بود. آن دو تاجران و توانگران را به ادامه کمک‌های نقدی تشویق کردند و به پیشنهاد یانس خان

آنان، انگیزه‌ای شد تا هر یک از میهمانان متعهد شود سالانه مبلغی را به مدرسه کمک کند. کمک‌های مردمی به پویایی هر چه بیشتر این مرکز نوپا کمک کرد به گونه‌ای که تا پایان سال ۱۳۱۸ هجری قمری، یعنی سالگشت تأسیس مدرسه تعداد دانش‌آموزان به سیصدوپنجاه نفر رسید.

ساختمان مدرسه باوجود داشتن ۱۰ اتاق کنجایش دانش‌آموز جدیدنداشت. ازاین‌رو، دریابگی به خواست مسئولان مدرسه دو هکتار زمین که متعلق به «ملک‌التجار» بود و به «معین‌التجار بوشهری» واگذار شده بود، به‌منظور تأسیس ساختمان جدید در نظر گرفت. قرار بر این شد که مدرسه نو شش کلاس بزرگ، یک سالن، چهارراهرو و تعدادی اتاق داشته باشد. بجز کمک‌های مردمی که همچنان پابرجا بود، دریابگی با ارسال نامه‌ای به «مظفرالدین‌شاه» از او نیز یاری خواست، در پاسخ به او شاه قبول کرد هزار تومان از طریق گمرک بوشهر به مدرسه کمک کند و پسوند مظفری سعادت به علت همین کمک‌های شاه‌است.

پیش از تکمیل ساختمان جدید، مدیران مدرسه سعادت مصمم شدند آموزش زبان‌های غیرفارسی را هم به برنامه درسی دانش‌آموزان اضافه کنند، بویژه آنکه در آن برهه دول اروپایی متعددی در بوشهر نمایندگی داشتند و ضرورت یادگیری زبان‌های خارجی کاملاً آشکار بود. تاجران، طرفداران اصلی این طرح بودند. رؤسای مدرسه قبل از هرقادامی برای شروع این طرح در باب حرمت فراگیری در زبان انگلیسی و فرانسوی و البته برای امر تجارت از علما کسب تکلیف کردند تا آماد را بر سر اجرا طرح با مخالفتی روبه‌رو شوند. عالمان و مراکز تقلید از جمله «املا محمدکاظم

خراسانی معروف به آخوند خراسانی»، «شیخ عبدالله مازندرانی» و «سید محمد کاظم بزدی» پاسخ دادند که «تحصیل زبان خراج هرمت ذاتی ندارد» پس به فرمان دریابگی، «عبدالله میرزا» در مدرسه استخدام شد تا آموزش دو زبان انگلیسی و فرانسوی را عهده‌دار شود. اواخر سال ۱۳۱۹ هجری قمری مدرسه سعادت به ساختمان جدید منتقل شد و طی مراسمی تشریفاتی با حضور «رضاقلی‌خان نظام‌السلطنه مافی» مدرسه افتتاح شد. او حاکم نواز در بنادر و جزایر جنوب پس از عزل دریابگی بود که برخلاف دریابگی حکمران جدید چندانی از به پیگیری امور مدرسه یا کمک‌های مالی علاقه‌مند نبود. در این برهه، نه حاکم شهر بلکه برنامه‌ریزی و دفتر از کارکنان گمرک بوشهر در زمینه‌های بسیار اهمیت داشت. اولی «عبدالحمیدخان متین‌السلطنه» بود، یعنی مترجم «هسیو سیمسیم، بلژیک، مدیرکل گمرکات بنادر جنوب و دومی «میرزا یانس خان ارمنی» که معاون رئیس گمرک بود. آن دو تاجران و توانگران را به ادامه کمک‌های نقدی تشویق کردند و به پیشنهاد یانس خان



معلمین و محصلین مدرسه سعادت مظفری ۱

نگاهی به تاریخچه مدرسه «سعادت مظفری» و بنای آن احمدخان دریابگی

زنگ آغاز نظام آموزشی جدید در جنوب ایران



مونا فاطمی‌زاد کارشناس ارشد تاریخ اسلام

در دوره قاجار متأثر از تحولات فکری و فرهنگی نگرش‌ها به موضوع آموزش کودکان دگرگون شد و در کنار مکتبخانه‌های سنتی، تأسیس مدرسه‌های جدید اهمیت یافت. با این امید که نتیجه این کوشش‌ها به بهبود زیست‌ایرانیان منتهی شود. بیشتر این مدارس در عصر ناصری (۱۲۶۴-۱۳۱۳ هجری قمری) و عصر مظفری (۱۳۱۳-۱۳۲۴ هجری قمری) و به طور خاص از ۱۳۱۵ هجری قمری به بعد بنا شدند. در آغاز مدرسه‌های جدید در تبریز و تهران به اهتمام اصلاح‌طلبانی چون «حسن‌رشدی» و «میرزا‌علی‌امین‌الدوله» گشایش یافتند و سپس در دیگر شهرها نیز مدرسه‌سازی غیرسنتی‌حامیانی یافت. «مدرسه سعادت مظفری» بوشهر در جایگاه نخستین مدرسه جدید در جنوب کشور از مهم‌ترین مدارس اخیر است که حکمران بنادر جنوب «احمدخان دریابگی» در افتتاح آن نقشی بسزا داشت.

«میرزا احمدخان دریابگی» اهل آذربایجان و متولد تبریز بود و در تهران زندگی می‌کرد. احمدخان در دارالفنون و در رشته مهندسی نظام و ساختمان، موفق به تحصیل و نخستین بار در ۱۳۱۰ هجری قمری از طرف حکومت جهت فرماندهی کشتی «پرسپولیس» به بوشهر اعزام شد. او پس از آنکه در ۱۳۱۴ هجری قمری به حکمرانی بنادر منصوب شد تا سال ۱۳۳۷ هجری قمری در جزایر و بندر بوشهر و دیگر بنادر و جزایر خلیج فارس

با ارسال نامه‌ای به انجمن معارف که

مروری بر تاریخ اجتماعی از میان طمع و خارطه خوراکی‌های خیابانی

رنگ و بوی زندگی در بساط فروشندگان دوره گرد



نسیم فلاحی پژوهشگر تاریخ

خوراکی‌هایشان را بر طبق می‌نهادند و چه وقتی که برای عرضه آن به مردمی که در کوی و بازار قدم می‌زدند، چند دهنه مغازه باز می‌کردند. چنانکه روایت کرده‌اند مردم قدم زنان در میان محله‌های قدیمی، دروازه‌دولت و قلهک و تجریش، سراغ بستنی «محمد ریش» را می‌گرفته‌اند و آواز می‌خواندند که: «از این جاتا تم به قلهک تا به تجریش» انخوردی بستنی محمد ریش» و منظورشان بستنی‌های دست‌ساز مردی قوی و بیکل و بلندبالا با محاسنی سیاه بوده است که سه دهنه مغازه در تهران، دروازه دولت و قلهک و تجریش داشت و در آنها محبوب‌ترین بستنی زمانه خودش را که همان محمدریش باشد و از جمله بهترین خوراکی‌های خیابانی هم بوده است، به دست مردم می‌داد.

این روایت را مرتضی احمدی در کتاب «امن و زندگی» با لحنی سرشار از حسرت درباره گذشته پریماهوی تهران و خوراکی‌های خیابانی‌اش نقل می‌کند، درست بعد از آنکه از سفق‌های تیرچوبی زیرزمین‌های خنک خانه‌های باصفای کاهلی گفت که از آنها هندوانه و خربزه و خوشه‌های انگور برای شجره‌ها آمیزان بود و زمستان‌هایی که روی کرسی گرم خانه، کاسه گندم‌وشاهدانه بوداده و انجیر خشک و کتاب امیراسلان بود. او نقل می‌کند که مردم چگونه در سرمای زمستان هم باز شادمانه خوراکی‌هایی جانبخش می‌خورند که بهترینش همان برف‌شیره بود، یا همان‌جا زیر گرم‌آبی کرسی، سبب‌زمینی‌ها را با خواره آتش زیر منقل برشته می‌کردند و به این ترتیب دیگر لازم نبود به پای بساط

طوفان‌هایی بروند که سرگنر‌ها، باقالی و گلپر و لوبیوی سرخ می‌فروختند شاید از این‌رو که در خیابان‌های تارک شهر اغلب امنیت نبود و گاه حکومت‌نظامی‌های بی‌درسی اجاره نمی‌داد که مردم بی‌هراس در خیابان‌های برفی قدم بزنند و روزهای بعد از ماجرای کشف حجاب، که زنان خانواده‌های سنتی، روزهای متمسادی از خانه به در نمی‌آمدند می‌اداپاسپان‌ها چادر از سرشان به‌زیر کشند. چنانکه پیداست قصه خوراکی‌های خیابانی در تاریخ اجتماعی پیش از هر چیز با تملی شادمانه همراه است، حسی خوب از زندگی در شهرهایی خالی از دود و دم و شاید بیش از هر چیز یادآور همین سه دهنه مغازه بستنی محمدریش و شادگرد بزنبه‌پا در لو طی‌اش «اکبرمسیر» باشد که در کتاب «تاریخ اجتماعی ایران»

میرزا احمدخان دریابگی با حمایت صدراعظم، «میرزا علی‌خان امین‌الدوله» در تهران تأسیس شده بود. هدف خود را از تشکیل مدرسه‌ای به سبک نو آشکار کرد. بدهی است که درس خواندن دریابگی در دارالفنون، با گسترش اندیشه مدرسه‌سازی در آن برهه در این تصمیم او بی‌اثر نبوده است. اما جز آن اساس نقلی از روزنامه «جل‌المتین» مورخه شعبان همان سال، گوین سفارش‌های «وائق‌الملک» مفتش دریا و بنادر به مدرسه‌سازی نیز در این اقدام دریابگی کارا بوده است. به‌هر روی، دولت به خواست حاکم بندرهای جنوبی، در ذیقعه ۱۳۱۷ هجری قمری فردی دانا به اداره آموزش نو به بوشهر روانه می‌کند تا مدیریت مدرسه تازه را عهده‌دار شود. فرد منتخب برای این مأموریت «شیخ محمدحسین کارزونی» بود که اصالتی شیلکناره‌ای داشت اما با خانواده به بوشهر مهاجرت کرده بودند. او که بعدها به نام سعادت شهرت یافت، به علت تدریس پدرش در کارزونی به این نام هم شناخته می‌شدند. در آن هنگام، شیخ محمدحسین‌مقیم‌تهران‌آموزگار ادبیات فارسی در مدرسه نو بنیاد افتتاحیه بود.

تهیه‌اش را در نبود وسایل زندگی مدرن از جمله بیخچال در میان مردم شرح می‌دهد، خوراکی‌هایی که روغن خنجرهای زندگی را از دوش حکومت‌نظامی‌های بی‌درسی اجاره می‌داد که مردم بی‌هراس در خیابان‌های برفی قدم بزنند و روزهای بعد از ماجرای کشف حجاب، که زنان خانواده‌های سنتی، روزهای متمسادی از خانه به در نمی‌آمدند می‌اداپاسپان‌ها چادر از سرشان به‌زیر کشند. چنانکه پیداست قصه خوراکی‌های خیابانی در تاریخ اجتماعی پیش از هر چیز با تملی شادمانه همراه است، حسی خوب از زندگی در شهرهایی خالی از دود و دم و شاید بیش از هر چیز یادآور همین سه دهنه مغازه بستنی محمدریش و شادگرد بزنبه‌پا در لو طی‌اش «اکبرمسیر» باشد که در کتاب «تاریخ اجتماعی ایران» امین‌الدوله» در تهران تأسیس شده بود. هدف خود را از تشکیل مدرسه‌ای به سبک نو آشکار کرد. بدهی است که درس خواندن دریابگی در دارالفنون، با گسترش اندیشه مدرسه‌سازی در آن برهه در این تصمیم او بی‌اثر نبوده است. اما جز آن اساس نقلی از روزنامه «جل‌المتین» مورخه شعبان همان سال، گوین سفارش‌های «وائق‌الملک» مفتش دریا و بنادر به مدرسه‌سازی نیز در این اقدام دریابگی کارا بوده است. به‌هر روی، دولت به خواست حاکم بندرهای جنوبی، در ذیقعه ۱۳۱۷ هجری قمری فردی دانا به اداره آموزش نو به بوشهر روانه می‌کند تا مدیریت مدرسه تازه را عهده‌دار شود. فرد منتخب برای این مأموریت «شیخ محمدحسین کارزونی» بود که اصالتی شیلکناره‌ای داشت اما با خانواده به بوشهر مهاجرت کرده بودند. او که بعدها به نام سعادت شهرت یافت، به علت تدریس پدرش در کارزونی به این نام هم شناخته می‌شدند. در آن هنگام، شیخ محمدحسین‌مقیم‌تهران‌آموزگار ادبیات فارسی در مدرسه نو بنیاد افتتاحیه بود.



نوعی از تنقلات مردم

نصفی نان و دوسه قران آتش می‌خرند و می‌خورند، اما نصفه جالب‌تری که دولت‌آبادی درباره خوراکی‌های خیابانی دارد به نوع خاصی از این خوراکی‌های محبوب در میان مردم سیستان بازمی‌گردد که چندان متعارف به نظر نمی‌رسد و آن چیزی است که دوره گرد این‌گونه توصیفش می‌کنند: «آی زبان گنجشک‌های زبان گنجشک» راوی با شنیدن این فراخوان پیش‌می‌روند تا این خوراکی عجیب و محبوب را در طبق دوره‌گرد زابلی ببیند: «نگاه می‌کنم. تک‌های گوشت‌مانده و کبودشده زیرپوش صدهاگمکس، جا به جا میان طبق افتاده است یقین دارم که گوشت گوسفند نیست، باید گوشت گاو یا شتر باشد به گوشت شتر بیشتر می‌ماند.» اما همین روایت یادآور آب‌گنجشک‌هایی است که کریم کشاورز هنگام انتقال کامیون زندانیان سیاسی از طهران به خاراگ، در کارزون دیده و روایت کرده است: «او ویژگی‌های کارزون وجود گنجشک‌زاد است، اینجا گنجشک‌ها را می‌گیرند و آب‌گوشت یا آتش گنجشک درست می‌کنند و در کوچه‌ها می‌فروشند و شعری هم می‌خوانند.» از این منظر شاید بتوان گفت خوراکی‌های خیابانی، گاه بهترین فرهنگ و علائق مردم هر اقلیم‌اند، چنانکه هنوز هم در برخی شهرهای گرمسیر، کباب گنجشک یکی از گزینه‌های منوهای رستوران‌هاست و صدای آب‌گنجشک‌فروش‌های دوره‌گرد کارزون قدیم را به یاد می‌آورد که پیدا نیست از سر فقر و نبود گوشت خوب یا علاقه‌های بومی به پختن و فروختن گنجشک‌های جیک‌جیکوی شهر اقدام می‌کرده‌اند.